

تعلیم و تربیت اسلامی

| | | | | | |
|----------|--|-----|------------------|-----|-----------------|
| ۱ | دین و زندگی دهم (درس ۹ انسانی) معادل درس ۸ ریاضی و تجربی) | ۸ | درسنامه و سؤالات | ۴۳۶ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۲ | دین و زندگی دهم (درس ۱۰) ویژه رشته انسانی) | ۲۷ | درسنامه و سؤالات | ۴۴۱ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۳ | دین و زندگی دهم (درس ۱۱ انسانی) معادل درس ۹ ریاضی و تجربی) | ۳۹ | درسنامه و سؤالات | ۴۴۵ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۴ | دین و زندگی دهم (درس ۱۲ انسانی) معادل درس ۱۰ ریاضی و تجربی) | ۶۰ | درسنامه و سؤالات | ۴۵۲ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۵ | دین و زندگی دهم (درس ۱۳ انسانی) معادل درس ۱۱ ریاضی و تجربی) | ۸۴ | درسنامه و سؤالات | ۴۶۰ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۶ | دین و زندگی دهم (درس ۱۴ انسانی) معادل درس ۱۲ ریاضی و تجربی) | ۱۰۱ | درسنامه و سؤالات | ۴۶۵ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۷ | دین و زندگی یازدهم (درس ۱۶ انسانی) معادل درس ۱۱ ریاضی و تجربی) | ۱۱۷ | درسنامه و سؤالات | ۴۷۱ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۸ | دین و زندگی یازدهم (درس ۱۷ انسانی) معادل درس ۱۲ ریاضی و تجربی) | ۱۳۵ | درسنامه و سؤالات | ۴۷۶ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۹ | دین و زندگی یازدهم (درس ۱۸ انسانی) معادل درس ۱۲ ریاضی و تجربی) | ۱۴۹ | درسنامه و سؤالات | ۴۷۹ | پاسخ‌های تشریحی |

مهارت معلمی

| | | | | | |
|-----------|--------------------------|-----|------------------|-----|-----------------|
| ۱۰ | مهارت معلمی (فصل اول) | ۱۵۹ | درسنامه و سؤالات | ۴۸۲ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۱۱ | مهارت معلمی (فصل دوم) | ۱۷۱ | درسنامه و سؤالات | ۴۸۳ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۱۲ | مهارت معلمی (فصل سوم) | ۱۹۹ | درسنامه و سؤالات | ۴۸۶ | پاسخ‌های تشریحی |

هوش و استعداد معلمی

| | | | | | |
|----------|--|-----|------------------|-----|-----------------|
| ۱ | هوش کلامی (معنی مستقیم واژگان) | ۲۲۸ | درسنامه و سؤالات | ۴۸۸ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۲ | هوش کلامی (معنی واژه در حروف پراکنده) | ۲۳۱ | درسنامه و سؤالات | ۴۸۸ | پاسخ‌های تشریحی |
| ۳ | هوش کلامی (آرایش حروف و واژگان - کدگذاری) | ۲۳۴ | درسنامه و سؤالات | ۴۸۹ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|----------|---|
| ۶ | هوش کلامی (چیدمان منطقی واژگان در جمله) |
| ۲۴۸ | درسنامه و سؤالات |
| ۴۹۴ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|----------|--|
| ۹ | هوش کلامی (تضعیف و تقویت مطلب) |
| ۲۶۰ | درسنامه و سؤالات |
| ۴۹۶ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۱۲ | هوش محاسباتی (محاسبات ریاضی پایه) |
| ۲۸۶ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۰۵ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|--------------------------------|
| ۱۵ | هوش محاسباتی (هندسه) |
| ۳۰۱ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۱۵ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۱۸ | هوش تجسمی دوبعدی (کشف روابط و تفاوت‌ها) |
| ۳۱۵ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۲۲ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۲۱ | هوش تجسمی دوبعدی (یافتن اشتراک‌ها در شکل) |
| ۳۷۷ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۴۰ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|--|
| ۲۴ | هوش تجسمی سه‌بعدی (تا و سوراخ) |
| ۴۰۵ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۴۸ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|----------|--|
| ۵ | هوش کلامی (رابطه بین واژگان) |
| ۲۴۵ | درسنامه و سؤالات |
| ۴۹۳ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|----------|--------------------------------|
| ۸ | هوش کلامی (درک مطلب) |
| ۲۵۱ | درسنامه و سؤالات |
| ۴۹۵ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۱۱ | هوش محاسباتی (دنباله‌های عددی - الگویابی) |
| ۲۸۲ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۰۳ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۱۴ | هوش محاسباتی (نسبت، تناسب و درصد) |
| ۲۹۶ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۱۲ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۱۷ | هوش محاسباتی (کزاره‌های منطقی، استدلال و استنتاج) |
| ۳۰۷ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۲۰ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|--|
| ۲۰ | هوش تجسمی دوبعدی (کشف روابط گروه‌های شکلی) |
| ۳۶۷ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۳۸ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۲۳ | هوش تجسمی سه‌بعدی (حجم‌های ترکیبی و پیچیده) |
| ۳۹۹ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۴۷ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|------------------------|
| ۲۵ | هوش طبیعی تجربی |
| ۴۱۶ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۵۰ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|----------|--|
| ۴ | هوش کلامی (پر کردن جای خالی متن با واژگان) |
| ۲۴۰ | درسنامه و سؤالات |
| ۴۹۱ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|----------|--|
| ۷ | هوش کلامی (چیدمان منطقی جمله‌ها) |
| ۲۴۹ | درسنامه و سؤالات |
| ۴۹۴ | پاسخ‌های تشریحی |

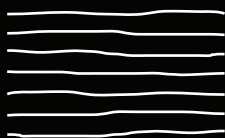
| | |
|-----------|---|
| ۱۰ | هوش کلامی (نتیجه‌گیری از گزاره‌های منطقی) |
| ۲۶۹ | درسنامه و سؤالات |
| ۴۹۸ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|--|
| ۱۳ | هوش محاسباتی (تحلیل و طبقه‌بندی متغیرها) |
| ۲۹۲ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۰۹ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|--|
| ۱۶ | هوش محاسباتی (حل مسائل عددی و شمارش) |
| ۳۰۵ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۱۸ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|---|
| ۱۹ | هوش تجسمی دوبعدی (کشف روابط در جدول‌ها) |
| ۳۴۹ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۳۳ | پاسخ‌های تشریحی |

| | |
|-----------|--|
| ۲۲ | هوش تجسمی سه‌بعدی (مکعب و تاس) |
| ۳۸۷ | درسنامه و سؤالات |
| ۵۴۲ | پاسخ‌های تشریحی |



در فصل اول به اهمیت و ارزش کار معلمی توجه می‌شود که اولاً شغل نیست، بلکه نوعی عبادت است و سپس میان انتخاب‌های مختلف، انتخابی صحیح محسوب می‌شود و کار تعلیم در سیره و نگاه معصومین (ع) جایگاه بزرگی دارد و اولیای دین به معلمان فرزندان‌شان احترام زیادی می‌گذاشتند. تربیت و تعلیم، کار خدا و پیامبران است. ارزش کار معلمی بیش از نقش پنج گروه از مهندسان است و با روح انسان که گران‌ترین گوهر هستی است سر و کار دارد. ماندگاری کار روی فکر بشر، از دلایل برتری کار معلمی است و کلاس داری به خصوص درباره نسل نو اهمیت دارد. در این فصل، ۱۲ عنوان مطرح شده است که هر یک دارای آیات و احادیث متعددی است و باید با عنوانی که بالای آن مطرح شده است یاد گرفته شود.

هر آیه یا حدیث دارای کلید واژه‌هایی است که آن را با عنوان بالای آن مرتبط می‌کند. پس از پایان هر عنوان، تستی قرار داده شده است که برای سنجش یادگیری حتماً فکر کنید و بعد به پاسخ‌نامه آن مراجعه کنید. در انتهای این فصل نیز سؤالات مربوط به آن آمده است.



مثال



تلنگر



نکته



جواب



سوال



تعریف

چشم‌انداز

مشاوره

سبک
مطالعهآیکون‌های
درسنامه

« نوع نگاه به معلمی

- در گام اول، نوع نگاه ما به شغل معلمی است که می‌تواند در تعلیم و تربیت و انجام این مسئولیت بزرگ تأثیرگذار باشد. با قاطعیت می‌توان گفت که معلمی فراتر از همه کارها و سرآمد همه شغل‌هاست. معلم نیاز به حقوق و تأمین نیازهای زندگی دارد؛ اما هیچ‌گاه به کار مهمش از درجه مادیات نمی‌نگرد.
- کار معلم، تعلیم و تربیت است؛ تعلیم و تربیتی که کار خدای تعالی و پیامبران اوست. اساساً عالم با همه پیچیدگی‌ها، تنوعات، زیبایی‌ها، نعمت‌ها و ابتلائاتش (امتحان‌هایش) برای تربیت «انسان» خلق شده است. آری! زمین، مرکز آموزش و پرورش خداست؛ با پیامبرانی که معلمان آسمانی‌اند و مسئولیت تربیت انسان را بر دوش دارند.

« امتیازات و ارزش‌های معلمی

۱ معلمی شغل نیست؛ عبادت است

- بعضی از کارها از چنان قداستی برخوردارند که وصف «شغل» برای آن‌ها سبک می‌نماید. مادری شغل نیست، بلکه یک وظیفه الهی و جلوه‌ای از عبادت است. معلمی هم یک کار مقدس محسوب می‌شود؛ زیرا عبادتی چندمنظوره است.
- معلمی، انتقال علم و تجربه، انقاز غریق (نجات غرق‌شده) و کلید عزت (نفوذناپذیری: ترکیبی با درس عزت نفس سال یازدهم)، بصیرت (روشن‌بینی) و مصونیت (محفوظ ماندن) است. معلمی، شغل خدا و جبرئیل است؛ چنان‌که در سوره الرحمن می‌خوانیم: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ»؛ «خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود.»
- در قرآن برای توصیف انبیا (ع) عبارات متعددی به کار رفته، ولی آن‌چه بیش از همه استفاده شده، تعبیر «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ» است که نشان می‌دهد کار پیامبران، ۱) تعلیم کتاب و حکمت و ۲) تزکیه (پاک کردن) بوده است.^۱
- سیزده آیه در قرآن به سؤال‌های مردم از پیامبر اکرم (ص) اختصاص یافته که با کلمه «يَسْأَلُونَكَ» همراه است. این نشان می‌دهد که پیامبر (ص) معلم مردم بوده است.

۱. اگرچه تعبیراتی چون «داعی»، «هادی»، «بشیر»، «سراج منیر» و امثال آن نیز درباره پیامبران به کار رفته، ولی به مسئولیت «تزکیه» و «تعلیم» که بر دوش آنان بوده، به صورت خاص اشاره شده است.

- «معلم» واژه‌ای است که بار معنایی خاصی دارد و نباید به آن نگاه عادی نمود. این واژه، همانند برخی از واژه‌های مقدس، حامل معانی بلندی است؛ مثلاً «کربلا» نام منطقه‌ای از زمین است، ولی به جای هویت جغرافیایی، هویت تاریخی و بار معنایی بالایی دارد. کسی نمی‌گوید کربلا در شمال شرقی یا جنوب غربی فلان جا واقع شده و مساحت آن فلان مقدار است؛ بلکه با ذکر اسم کربلا، مفاهیم امامت، شهادت، عصمت، ایثار، مقاومت، اخلاص، عبادت، ظلم‌ستیزی و امثال آن به ذهن افراد می‌آید.
- کلمه معلم نیز چنین حالتی دارد. **تقلیل** (پایین آوردن) مفهوم معلمی به یک شغل ساده، **کوته‌بینی** است؛ نظیر این که کسی به مرجع تقلید بگوید: «ایشان آدم خوبی است.» تعبیر «آدم خوب» در وصف یک مرجع تقلید **کفایت نمی‌کند**.

ایستگاه تست

۱ در قرآن کریم برای توصیف انبیاء کدام تعبیر بیش از همه استفاده شده است؟

- ۱) «عَلَّمَ الْقُرْآنَ»
 ۲) «مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حِجَةٌ بَعْدَ الرِّسَالِ»
 ۳) «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»
 ۴) «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمُ»

پاسخ ۳ در قرآن برای توصیف انبیا (ع) عبارات متعددی به کار رفته، ولی آن چه بیش از همه استفاده شده تعبیر «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ» است که نشان می‌دهد کار پیامبران، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه بوده است.

۲ از کدام عبارات قرآنی می‌توان دریافت که معلمی، کار خدا و جبرئیل است؟

- ۱) «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»
 ۲) «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»
 ۳) «وَجَعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»
 ۴) «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ»

پاسخ ۴ رحمان نام خداست و عبارت شریفه «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» نشان می‌دهد که خداوند قرآن را آموزش داد. پس به معلم بودن خدا و جبرئیل که واسطه وحی الهی است اشاره دارد.

۲ معلمی یک انتخاب صحیح است

- هر انسانی یک شغل را انتخاب می‌کند؛ ولی مهم آن است که ۱ در آن شغل با چه چیزی سروکار دارد و ۲ تأثیر کارش تا کجاست.

| شغل‌های دیگر | کار معلم |
|--|---|
| ۱. مهندس و صنعتگر روی جمادات کار می‌کنند و برج و ماشین می‌سازند. | ۱. معلم روی انسان‌ها کار می‌کند. |
| ۲. پزشک روی جسم انسان‌ها کار می‌کند. | ۲. معلم با روح و قلب و جان انسان سروکار دارد. |
| ۳. تاجر مشغول توزیع کالا است. | ۳. معلم مشغول توزیع علم است. |
| ۴. ساخته‌های انسانی تا مدت کمی منشأ اثر هستند. | ۴. اثر استاد و معلم روی شاگرد گاهی تا قیامت ادامه دارد. |

- تعلیم و تربیت **مبارک‌ترین** کاری است که خداوند آن را بر دوش انبیا و اوصیاء (ع) گذاشته است.

حکایت در زمان طاغوت، به سراغ برخی از مبلغین - که تعدادشان بسیار اندک بود - رفتند و با پرداخت مبالغی آنان را جذب نظام شاهنشاهی کردند. آن‌ها از زیر بار شغل شریف معلمی، شانه خالی کردند و با حضور در دستگاه فاسد، به دنیا روی آوردند. در آن روز، آیت‌الله العظمی گلپایگانی (ره) فرمود: «اگر طلبه‌ای به جای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد، نگوید: رفتیم؛ بلکه بگوید: لیاقت نداشتم و امام زمان (عج) مرا از حوزه بیرون انداخت.» این سخن در آن زمان بسیار مهم بود و سبب بیمه شدن دیگر مبلغان در برابر توطئه درباریان شد.

- آری! اگر کسی بتواند با تولید و توزیع و مصرف علم به انسان‌ها خدمت کند و به دل‌ها و جان‌ها حیات ببخشد و در مسیر انبیای الهی (ع) گام بردارد، اما به سراغ تولید و توزیع و مصرف اجناس دیگر برود، برنده نیست و خسارت کرده است. این خسارت به فراخور شغلی که جای شغل معلمی انتخاب می‌شود، مراتبی دارد؛ چرا که خسارت دارای مراحل و تفاوت‌هایی است!

۱. قرآن کریم درباره اعمال زبان‌بخش انسان چنین تعبیراتی دارد: (مراحل خسارت از نگاه قرآن)

- گاهی معامله بدی است: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا» (بقره: ۹۰)
- گاهی سودی ندارد: «فَمَا رَبَّحَتْ تِجَارَتُهُمْ» (بقره: ۱۶)
- گاهی خسارت است: «اشْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى» (بقره: ۱۷۵)
- گاهی غرق در زیان است: «لَفِي خُسْرٍ» (عصر: ۲)
- گاهی خسارت بزرگ و آشکار است: «خُسْرَانًا مُّبِينًا» (نساء: ۱۱۹)
- گاهی خسارت در تمام ابعاد است: «بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا» (کهف: ۱۰۴)

۳ کدام عبارت قرآنی به مبارک‌ترین وظیفه‌ای که خداوند انبیای خود را به آن مکلف نموده است، اشاره دارد؟

- ۱) «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»
 ۲) «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ»
 ۳) «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»
 ۴) «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»

پاسخ ۲) تعلیم و تربیت مبارک‌ترین کاری است که خداوند آن را بر دوش انبیا و اوصیا (ع) گذاشته است. این مفهوم در عبارت قرآنی «و یعلمهم الكتاب و الحکمة و یزکیهم» تصریح شده است.

۳ معلمی در نگاه معصومین (ع) جایگاه رفیع دارد

- اهل بیت (ع) از مقام معلمی و ارزش آن، تجلیل فراوانی کرده‌اند. در فرهنگ اسلامی از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون ۱) معلم، ۲) مربی یا ۳) پدر یاد شده است. در خصوص جایگاه ممتاز معلمان و ارزش آنان نزد معصومین (ع) روایات فراوانی موجود است. از جمله رسول خدا (ص) فرمودند: «بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.»^۱ و فرمودند: «راهنمایی‌کننده به راه خیر، مانند انجام‌دهنده آن است.»^۲
- هم‌چنین امام باقر (ع) فرمود: «تمام جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر موجود کوچک و بزرگی که در زمین و آسمان خداست، برای تعلیم دهنده امور نیک استغفار می‌کنند.»^۳
- امامان ما نسبت به معلمان فرزندانشان بسیار لطف داشتند و آن‌ها را تشویق می‌کردند.
- امام حسین (ع) به معلم فرزندش صد دینار هدیه داد و در پاسخ به اعتراض مردم فرمود: «أَيْنَ يَقَعُ هَذَا مِنْ عَطَائِهِ يَغْنَى تَعْلِيمُهُ؛ این مبلغ، در قبال تعلیمات او چه ارزشی دارد؟» (کنایه از این‌که ارزش هدیه مادی به پای ارزش تعلیم قرآن نمی‌رسد).

۴ بالاترین صدقات در کلام نبوی با کدام تعبیر آمده است؟

- ۱) بخشش مادی و معنوی با تمام وجود
 ۲) راهنمایی دیگران به راه خیر و صلاح
 ۳) تزکیه نفس قبل از تعلیم دیگران
 ۴) یاد گرفتن و آموختن به دیگران

پاسخ ۴) پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.»

۱۴ تربیت کار خداست

- در قرآن کریم، بعد از نام مبارک «الله» بیش‌ترین نامی که برای خدا به کار رفته، «رب» است. ناگفته پیداست که «ربوبیت» (پروردگاری، تدبیرگری و هدایت‌گری) زمانی کامل است که براساس ۱) علم، ۲) حکمت، ۳) مصلحت و ۴) رحمت باشد که خداوند همه را دارد.
- معلم، تنها علم خود را منتقل نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند همه کمالات را با ۱) رفتار و ۲) گفتار و ۳) اخلاق خود به دیگران منتقل کند؛ آن زمان که شاگرد به یأس گرایش پیدا می‌کند، روح امید را در او بدمد و آن هنگام که شاگرد به غرور گرایش پیدا می‌کند، او را هشدار (انذار) دهد.
- همان‌گونه که خداوند متعال در مسیر تربیت مردم، با منطق و برهان، احساس و عاطفه، مثال و تشبیه، تاریخ و داستان، بیان الگوهای مثبت و منفی، هنر و اخلاق و نیز وعده و تهدید، مردم را تربیت می‌کند، معلم و استاد نیز باید از همه این ابزارها بهره‌مند باشند. هر چه بهره آن‌ها از این ابزار بیشتر باشد، توفیقات آن‌ها نیز بیشتر خواهد شد. (رابطه مستقیم)
- اتصال معلم و استاد و مربی به خداوند متعال، نقش مهمی در انجام مسئولیت آن‌ها – که همانا ارشاد و هدایت مردم است – دارد؛ لذا از عالم دینی به «عالم ربانی» تعبیر می‌شود؛ یعنی عالمی که سرکارش با پروردگار است، در راه خدا و برای خدا و با اسلوب و اخلاق خداپسندانه تعلیم می‌دهد، از خداوند متعال صفت ربوبیت را می‌گیرد و به دیگران منتقل می‌کند.^۴
- امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می‌خواهد: «الهی انظنی بالهدی و الهمنی التقوی؛ خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن.» انسانی که به این مقام برسد، خدایی می‌شود و همین که خدایی شد، می‌تواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان‌های خدایی تربیت کند.

۱. «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ يُعَلَّمَ الْمَرْءُ عِلْمًا ثُمَّ يُعَلِّمَهُ أَخَاهُ»

۲. «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ»

۳. «مُعَلِّمُ الْخَيْرِ يُسْتَفْتَى لَهُ ذَوَابُّ الْأَرْضِ وَ حَيْثَانُ الْبُحُورِ وَ كُلُّ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَ سَمَائِهِ»

۴. برکات کار آموزشی و فرهنگی منحصر به زمان خاصی نیست، اگر هر کالا و محصولی برای صادرات نیاز به وسیله حمل و نقل و صرف هزینه و وقت دارد، معارف و فرهنگ نیز، کالایی است که می‌توان با زبان و قلم به همه عصرها و نسل‌ها صادر کرد. اگر این عمل برای کسب رضای خدا باشد، ماندگار و ابدی خواهد شد.

۵ ربوبیت الهی چه زمانی کامل است؟

- ۱ زمانی که انسان این صفت الهی را درک کند.
 ۲ وقتی که براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد.
 ۳ وقتی که تزکیه از تعلیم جدا نباشد.
 ۴ زمانی که اجابت خدا و رسول موجب حیات بخشی شود.

پاسخ ۲ در قرآن کریم، بعد از نام مبارک «الله» بیشترین نامی که برای خدا به کار رفته «رب» است. ناگفته پیداست که «ربوبیت» زمانی کامل است که براساس علم، حکمت، مصلحت و رحمت باشد، که خداوند همه را دارد.

۶ امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق، پس از درخواست گشودن زبان به هدایت چه دعای دیگری دارد؟

- ۱ «لا تکلنی الی نفسی»
 ۲ «الهمنی التَّقوی»
 ۳ «فالمهما فجورها و تقواها»
 ۴ «او حینا الیهم فعل الخیرات»

پاسخ ۲ امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می خواهد: «الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التَّقوی»: «خدایا زبانم را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن.»

۵ معلم کار پنج گروه از مهندسان را می کند

• ماشینی که سوارش می شویم، نتیجه کار پنج گروه از مهندسان است:

| کار معلم | نتیجه کار پنج گروه از مهندسان |
|--|---|
| ۱. استعدادهای شاگردش را کشف کند؛ | ۱. مهندسانی که مسئول کشف معدن هستند؛ |
| ۲. شاگرد را از انحراف هایی که به آن گرفتار شده است، خارج کند؛ | ۲. مهندسانی که مسئول استخراج مواد هستند؛ |
| ۳. با اخلاق و رفتار و محبت، شاگرد را به درس علاقه مند کند؛ | ۳. مهندسانی که مسئول ذوب مواد هستند؛ |
| ۴. با تدریس و تعلیم و تربیت، شاگرد را بسازد؛ | ۴. مهندسانی که مسئول قطعه سازی و طراحی قطعات ماشین هستند؛ |
| ۵. با سعه صدر، تربیت شدگان را به هم متصل کند و جامعه را تشکیل دهد. | ۵. مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند. |

• بنابراین، معلم یک تنه باید کار پنج گروه مهندس را انجام دهد؛ آن هم نه بر روی جمادات، بلکه بر روی «انسان» که صاحب روح است و کار با او، ظرافت و دقت خاصی را می طلبد. این، بیانگر ذره ای از کار مهم و پیچیده معلمی است.

۷ چرا کار معلمی، دقت و ظرافت خاصی می طلبد و پیچیده است؟

- ۱ زیرا معلم علاوه بر علم خود، می تواند همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل کند.
 ۲ زیرا معلم باید با سعه صدر، تربیت شدگان را به یکدیگر متصل کند و جامعه را بسازد.
 ۳ زیرا معلمی کاری بر روی انسان است که صاحب روح می باشد.
 ۴ زیرا معلمی خارج کننده شاگردان از انحراف هایی است که به آن گرفتار شده است.

پاسخ ۳ معلم یک تنه باید کار پنج گروه مهندس را انجام دهد؛ آن هم نه بر روی جمادات، بلکه بر روی «انسان» که صاحب روح است و کار با او، ظرافت و دقت خاصی را می طلبد. این، بیانگر ذره ای از کار مهم و پیچیده معلمی است.

۶ معلم با گران ترین گوهر هستی سروکار دارد

• موجودات (مادی) به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱ جمادات ۲ نباتات ۳ حیوانات و ۴ انسان ها.
 اگر انسان روی آهن و چوب کار کند و از آن ها در و پنجره بسازد یا در زمین خالی ساختمان بسازد یا از پشم و نخ پارچه تولید کند، با کار و صنعت خود، ارزش این اجناس را بالا می برد؛ اما استاد و معلم روی نسل نو کار می کنند. روشن است که زحمت تربیت انسانی که قابلیت رشد بی نهایت دارد، با زحمت و تلاش برای ارتقای وسیله ای که رشد محدودی می کند، قابل قیاس نیست.
 اگر دیگران روی جمادات (اشیا) کار می کنند و ماشین و هواپیما و ساختمان می سازند، یا عده ای به سراغ پرورش حیوانات یا گل و گیاه می روند، کار معلم و استاد و مربی، پرورش انسان هاست. رشد همه چیز محدود است؛ جز انسان، ارزش هر چیزی محدود است؛ جز انسان.

حکایت یک جوان هفده ساله که در جبهه شهید شده، در وصیت نامه خود نوشته است: «جسمم را به خاک، روحم را به خدا و راهم را به شما می سپارم.» این کلام را چگونه می شود قیمت گذاری کرد؟ آیا سنگ های قیمتی همه معادن به ارزش این کلمات هستند؟ تفکر این نوجوان، اثر تربیت معلم و مربی، و پرورشگاه این تفکر، مسجد است.

اگر انسان درست تربیت شود، از فرشته برتر می شود و اگر منحرف گردد، از هر حیوانی پست تر خواهد شد. معلم نمی گذارد که گوهر انسانیت، نابود و مغفول (مورد بی توجهی) شود. قرآن کریم درباره بعضی از انسان ها می فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»؛ «آن ها مثل حیوانات هستند، بلکه پست تر.» سپس دلیل انحراف آن ها را این گونه بیان می کند: «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ».

غفلت انواعی دارد:

| انواع غفلت | آیه |
|--|---|
| ۱. عده ای، از خدا غافل اند. | ﴿تَسُوا اللَّهَ﴾ |
| ۲. عده ای، از قیامت غافل اند. | ﴿تَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ |
| ۳. عده ای، از وظیفه خود غافل اند. | ﴿كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا﴾ «همان گونه که آیات ما به تو رسید و تو آن ها را فراموش کردی» |
| ۴. عده ای، از محرومان غافل اند. | ﴿وَلَمْ نَكُ نُنْطَعِمِ الْمُشْكِينَ﴾؛ «و افراد مسکین را اطعام نمی کردیم.» |
| ۵. عده ای از توانمندی های خود غافل اند و نمی دانند که چه موجودی هستند. | |
| ۶. عده ای، از ارزش عمر خود غافل اند و عمر خود را صرف کارهای لغو می کنند. | |

• و کار معلم، زدودن غبار غفلت و بیدار کردن انسان خوابیده ای است که از گوهر عمر و زندگانی اش غافل است.

ایستگاه تست

۸ آن جا که قرآن کریم انسان منحرف را پست تر از حیوان معرفی می کند و می فرماید: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» دلیل این انحراف را چگونه بیان کرده است؟

۱) «أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» ۲) «أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» ۳) «أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» ۴) «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

پاسخ ۴ در آیه ۱۷۹ سوره اعراف پس از عبارت «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»؛ «آن ها مثل حیوانات هستند، بلکه پست تر» دلیل انحراف آن ها را این گونه بیان می کند: «أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»

کار روی فکر افراد، ماندگار است

- یکی از نشانه های برتری اعمال، ماندگاری آثار آن است؛ چنان که حضرت ابراهیم (ع) از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ «و در میان آیندگان، نام نیکی برای من قرار بده.»
- خداوند نیز دعای او را این گونه پاسخ داد: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ «آن [کلمه توحید] را در میان نسلش کلمه ماندگار قرار داد، باشد که آنان (به توحید) بازگردند.»
- آری! ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه هدایت الهی باید تداوم داشته باشد: «سَيِّدِينَ» و فریاد توحید در تاریخ می ماند؛ گرچه مردم زمان به آن گوش نکنند: «كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» حضرت ابراهیم (ع) برای نسل خود نیز دعا می کرد و از خداوند می خواست: «خدایا! رهبری امت و اقامه نماز را در ذریه (نسل و فرزندان) من قرار بده.»
- معلم باید بداند که ماندگارترین کار، تعلیم و تربیت است؛ آن هم بر روی نسل جوان که تأثیرپذیری و ماندگاری آن بیش تر است.

ایستگاه تست

۹ خداوند در پاسخ به کدام دعای حضرت ابراهیم (ع) فرمود: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» و مفهوم این آیه چیست؟

۱) «رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» - ماندگاری اعمال ۲) «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» - ماندگاری اعمال
۳) «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» - اهمیت تربیت فرزندان ۴) «رَبِّ اجْعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» - اهمیت تربیت فرزندان

پاسخ ۲ آن گاه که حضرت ابراهیم (ع) از خدا خواست که در تاریخ ماندگار باشد: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ «و در میان آیندگان، نام نیکی برای من قرار بده.» خداوند نیز دعای او را این گونه پاسخ داد: «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ «آن را در میان نسلش کلمه ماندگار قرار داد، باشد که آنان (به توحید) بازگردند.»

۱. زخرف: ۲۸. درباره فاعل «جعل» در «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً» دو احتمال وجود دارد: خداوند و ابراهیم. به این معنا که هم می توان گفت خدا به پاس ایمان ابراهیم، توحید را در نسل او زنده نگاه داشت و هم می توان گفت ابراهیم فریاد توحید و برائت از شرک را در نسل خود به یادگار گذاشت.



• چه بسا برخی از افراد، کلاس داری را یک کار عادی تلقی کنند، به ویژه اگر مخاطبان از سنین پایین تر باشند؛ در حالی که هم کلاس داری مهم است و هم مخاطبانی که از نسل نو هستند.

حکایت ۱. آیت الله العظمی گلپایگانی (ره)، یکی از مراجع بزرگ تقلید، وقتی راجع به کلاس داری من مطالبی شنیدند، خواستند که کلاس مرا ببینند. تابلو و تخته سیاهی را به منزل ایشان بردم و برای ایشان نمونه‌هایی از درسی که برای نسل نو می‌گفتم، ارائه دادم. سپس به ایشان گفتم: «من امکان فقیه شدن دارم، ولی فعلاً معلم شده‌ام.» ایشان فرمود: «این راهی که شما پیش گرفته‌ای، الان بیش تر مورد نیاز است و امام زمان (عج) راضی است؛ ان شاء الله.»

۲. مرحوم آیت الله مشکینی (ره)، یکی از اساتید بزرگ قم نیز مشابه این کلام را به من فرمود. شبی به کلاس آمد و تا پایان کلاس در کنار بچه‌ها نشست؛ سپس فرمود: «من حاضرم پاداش تدریس برای صدها طلبه فاضل را به تو بدهم تا در مقابل، پاداش این کلاس بیست نفری و تدریس برای بچه‌ها را به من بدهی.»

• در کلاس، آینده یک انسان رقم می‌خورد. کلاس می‌تواند افراد را از پرتگاه‌های جهالت دور کند و مسیر زندگی یک فرد و نقشه راه او را تغییر دهد. مدرسه و دانشگاه، کارخانه انسان‌سازی است و کلاس داری، به ویژه اگر نسل نو مخاطب آن باشد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

ایستگاه تست

۱۰ به ترتیب «کار تعلیم و تربیت» و «کلاس داری» برای نسل جوان و نو، چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱) نیازمند جسارت بیشتر است - اهمیت بسیار بالایی دارد. ۲) نیازمند جسارت بیشتر است - آسان‌تر و انعطاف پذیرتر است.

۳) ماندگاری و تأثیر بیشتر دارد - آسان‌تر و انعطاف پذیرتر است. ۴) ماندگاری و تأثیر بیشتر دارد - اهمیت بسیار بالایی دارد.

پاسخ ۴) معلم باید بداند که ماندگارترین کار، تعلیم و تربیت است، آن هم بر روی نسل جوان که تأثیرپذیری و ماندگاری آن بیشتر است. کلاس داری، به ویژه اگر نسل نو مخاطب آن باشد، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

۹ معلم ربّانی، هادی و ناجی بشر است

• آموزش و تحصیلات، هم می‌تواند دامی برای تحصیل کردگان و ایجاد وابستگی آن‌ها به ابرقدرت‌ها شود، هم وسیله نجات بشر از شرّ طاغوت‌ها. براساس آیات قرآن کریم، یکی از شاخصه‌ها و اهداف بزرگ حضرت موسی (ع) نجات بنی اسرائیل از شرّ فرعون بود؛ چنان‌که با صراحت به فرعون گفت: «أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»؛ «بنی اسرائیل را [آزاد کن و] همراه ما بفرست.»

• نشانه فقیه آن است که مردم را از شرّ دشمنانشان آزاد سازد: «وَ أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ»

• قرآن کریم یکی از وظایف انبیا را رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهایی بر شمرده است که به آن گرفتار شده بودند: «وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»؛ «و از آنان بارگران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمی‌دارد [و آزادشان می‌کند].»

• امروزه رشته‌های تحصیلی متنوعی ایجاد شده است که در بسیاری از امور، رفاه را برای بشر به ارمغان آورده‌اند؛ اما آیا توانسته‌اند بشر را آزاد کنند؟ در موارد زیادی علم هست؛ ولی ثمره‌اش نیست. مثلاً تلفن همراه - که یک وسیله ارتباطی است - نزد هر کس هست؛ اما آیا خود «ارتباط» هم هست؟ چه بسا وسیله ارتباطی باشد، اما خود انسان‌ها با هم قهر باشند. علم و ثمره آن نیز می‌تواند دچار این آسیب شود.

• علم حقیقی، نگاه انسان را توحیدی می‌کند. در حدیث می‌خوانیم: «ثمره العلم معرفة الله؛ ثمره علم، شناخت خداوند است.» و هم چنین: «تَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ؛ ثمره علم، بندگی خداست.»

• در قرآن کریم آمده است که گروهی جذب اموال قارون شده بودند و می‌گفتند: «ای کاش ما هم مثل قارون ثروتمند بودیم»؛ ولی کسانی که اهل علم بودند به آن‌ها چنین تذکر می‌دادند: «وَيُلْكَمُ ثَوَابُ اللَّهِ حَيْرَةً»؛ «وای بر شما! پاداش الهی بهتر است.» از این آیه استفاده می‌شود که اگر کسی علم واقعی داشته باشد، در تشخیص دنیا و آخرت اشتباه نمی‌کند.

• نه دانشمندی که دنیا را بر آخرت برگزیند، عالم ربّانی است و نه علم او، علم حقیقی؛ چنان‌که گرفتن مدرک و عنوان، نشانه بلوغ عقل و کمال انسانیت نیست؛ زیرا تعلیمات عالم ربّانی باید حیات‌آفرین و نجات‌بخش باشد.

• مشکل بزرگ امروز جامعه بشری، جدا شدن «افراً» از «باسم ربك»، جدا شدن «یعلّمهم» از «یُرکّبهم»، جدا شدن مادیات از معنویات، جدا شدن دنیا از آخرت، و در یک کلام جدا شدن علم از دین است.

• هنر معلمی فقط به آموزش خواندن و نوشتن یا آموزش مسائل پیچیده و فرمول‌های سخت نیست؛ بلکه هنر معلم در آموزش مسائل علمی با نگاه توحیدی و تربیتی است. ثمره چنین آموزش و تعلیمی، شکوفایی علم، حلم، حیات قلب، استقامت، معرفت و انسانیت در متعلمین خواهد بود.

• آری! معلم ربّانی، هادی و ناجی است و ارزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان‌هاست.

۱. «أَنَّ الْفَقِيهَ مِنْ أَفْضَلِ عَلَى النَّاسِ حَيْرَةٌ، وَ أَنْقَذَهُمْ مِنْ أَعْدَائِهِمْ.»



۱۱ در کدام عبارات شریفه به وظیفه انبیا در زمینه رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیر اشاره شده است؟

- ۱) ﴿وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمْ الشَّرُّ﴾
 ۲) ﴿فَأْتَا فِرْعَوْنَ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِنَّ أَرْسَلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾
 ۳) ﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ، نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ﴾
 ۴) ﴿وَيُضِعُّ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾

پاسخ ۴) قرآن کریم یکی از وظایف انبیا را رهاسازی افکار جامعه از غل و زنجیرهایی برشمرده است که به آن گرفتار شده بودند: ﴿وَيُضِعُّ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾: «و از آنان بار گران (تکالیف سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده است، برمی دارد [و آزادشان می کند].»

۱۰ کار خود را مقدس بدانیم

- علم را مقدس بدانیم؛ زیرا خداوند هم به قلم قسم خورده است، هم به آن چه نوشته می شود: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾.
- اسلام برای آموزش هیچ محدودیتی قائل نیست:

- ۱ نه محدودیت زمانی: «اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد؛ از گهواره تا گور علم بیاموزید.»
- ۲ نه محدودیت مکانی: «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَنْوَبًا بِالْتَرْتَابِ لَتَنَاوَلَهُ رَجَالٌ مِنْ فَارِسٍ؛ اگر علم در ثریا باشد، مردانی از فارس به آن می رسند.»
- ۳ نه محدودیت جغرافیایی: «اطلبوا العلم و لو بالصَّيْنِ؛ دانش را بجوید، اگرچه در چین باشد.»
- ۴ نه محدودیت مقداری: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ﴾؛ «چرا از هر گروهی از مردم، دسته ای کوچ نمی کنند تا در دین فقیه شوند؟»
- ۵ نه محدودیت جانی: ﴿لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي بَطْنِ الْعِلْمِ لَطَبَّوهُ وَ لَوْ بِسُفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ؛ اگر مردم ارزش علم را می دانستند به سراغ آن می رفتند، گرچه به قیمت جان خود و فرو رفتن در امواج دریا باشد.»
- ۶ نه محدودیت انسانی: ﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ﴾؛^۲ «پس خداوند زاغی را فرستاد که زمین را می کاوید، تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بیوشاند [و دفن کند].»
- ۷ نه محدودیت مکتبی (دینی و مذهبی): پیامبر اسلام (ص) بهای آزادی کسانی را که در جنگ اسیر می شدند، آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر از مسلمان قرار داد.

- اسلام به قدری برای آموزش ارزش قائل است که می فرماید: «اگر سگ آموزش دیده، برای شما شکاری بیاورد، آن شکار برای شما حلال است.»^۳
- در قرآن می خوانیم: یکی از اولیای خدا - که در تفاسیر، عَزَبْرَ معرفی شده است - از خرابه ای می گذشت. با دیدن آثار گذشتگان، به خدا گفت: «این مردگان را چگونه زنده می کنی؟» خداوند او را که بر الاغی سوار بود، میراند. پس از صد سال او را زنده کرد و از او پرسید: «چه مدت است که در این جا آرمیده ای؟» گفت: «روزی یا نصف روزی!» خداوند به او فرمود: «صد سال پیش، در این جا مُردی و اکنون تو را زنده کردم! به الاغ خود بنگر که چگونه او را دوباره زنده می کنم و به غذای خود بنگر که چگونه پس از صد سال هنوز فاسد نشده است.»^۴
- خداوند با بیان داستان عزیز ثابت می کند که برای فراگیری یک نکته، مرگ صد ساله هم ارزشمند است.



۱۲ آن جا که پیامبر (ص) بهای آزادی کسانی را که در جنگ اسیر می شدند، آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر از مسلمان قرار داد،

کدام محدودیت در اسلام برای آموزش وجود ندارد؟

- ۱) محدودیت مقداری ۲) محدودیت انسانی ۳) محدودیت جانی ۴) محدودیت مکتبی

پاسخ ۴) این موضوع اشاره به این دارد که محدودیت مکتبی وجود ندارد (یعنی دین و آیین خاصی مطرح نیست و می توان علم را از هر کسی یاد گرفت).

۱. چین در آن زمان دورترین منطقه شناخته شده بود. در این حدیث، سفارش شده است که به دنبال علم بروید، گرچه مجبور باشید هزاران فرسخ را طی کنید.

۲. خدا با این روش به انسان اولیه آموخت که چگونه مرده خود را دفن کند.

۳. با توجه به این آیه، تنها صید سگ های آموزش دیده حلال است، نه صید حیوانات شکاری دیگر؛ آن هم شکاری که سگ در پی آن گسیل شده و آن را نگه داشته است، نه آن که برای خودش شکار کرده باشد که خوردن آن حرام است.

۴. بقره: ۲۵۹. بر اساس این آیه، غذایی که یک هفته ای فاسد می شود، صد سال سالم مانده است. هر سال ۵۲ هفته دارد و صد سال ۵۲۰۰ هفته می شود؛ یعنی خدا اگر بخواهد می تواند غذا را ۵۲۰۰ برابر عمر طبیعی اش سالم نگه دارد. اکنون می توانیم پاسخ این سؤال را بدهیم که چگونه امام زمان (عج) ۱۲ قرن زنده مانده است. ۱۲ قرن حدود ۱۵ برابر عمر طبیعی است. ۱۵ برابر کجا و ۵۲۰۰ برابر کجا؟!

- خدای تعالی می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه خدا و رسول، شما را به چیزی که حیات بخش شماسست دعوت می‌کنند، بپذیرید.»
- حیات اقسام مختلفی دارد: ۱ گیاهی، ۲ حیوانی، ۳ فکری و ۴ ابدی. مقصود از حیاتی که با دعوت انبیاء (ع) فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست - چون این نوع حیات بدون دعوت انبیا نیز وجود دارد -؛ بلکه مقصود، حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام، حیات انسان در تمام زمینه‌هاست.^۱
- حیات انسان، در ایمان و عمل صالح است و خداوند متعال و انبیا (ع) هم مردم را به همان دعوت کرده‌اند: «دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ». اطاعت از فرامین آنان، رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است؛ چنان‌که در جای دیگری از قرآن می‌خوانیم: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» «هر کس کار شایسته‌ای کند، چه مرد یا زن، در حالی که مؤمن باشد، به زندگی پاک و پسندیده زنده‌اش می‌داریم.»
- استاد و معلم، باید به پیروی از خدا و پیامبر (ص) و با نَفَسِ مسیحایی خود، به مخاطب حیات ببخشد و جهل او را به علم، یأس او را به امید، غفلت او را به هوشیاری، ترس او را به شجاعت، إعراض (رویگردانی) او را به إقبال (روی آوردن)، تفرقه او را به وحدت، کینه او را به محبت، دنیاگرایی او را به ابداگرایی، اطاعت او از ناهلان را به اطاعت از اولیای معصوم و عادل، اسراف او را به صرفه‌جویی، کسالت او را به نشاط، اضطراب او را به آرامش، و سنگ دلی او را به نرم دلی تبدیل کند.
- اگر به جای این آموزه‌ها، تنها به انتقال اطلاعات و علوم اکتفا کنیم، معلوم نیست بهره‌گیری از این علوم برای فرد و جامعه سود خواهد داشت یا ضرر؟ و فاغ التحصیلان ما عناصر مفیدی خواهند بود یا خطرناک؟
- اگر استاد رسالت خود را رسالتی الهی، نبوی و علوی بداند و اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کند، واجد نفس مسیحایی می‌شود. در این صورت، کار معلم، کار انبیا خواهد بود؛ وگرنه انتقال علم بدون تزکیه، مثل جدا شدن سوزن از نخ است که به جای دوزندگی، سوراخ می‌کند و صدمه می‌زند.

ایستگاه تست

۱۳ مفهوم مستفاد از تدبر در آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» کدام است؟

- ۱ شرط اجابت دعوت خدا و پیامبرش، ایمان به خداست.
- ۲ دعای به درگاه الهی و درخواست از پیامبرش، علت استجاب حاجات است.
- ۳ دست‌یابی به حیات حقیقی، معلول اطاعت از فرمان خدا که از طریق پیامبرش به ما می‌رسد، است.
- ۴ در جامعه ایمانی، افراد، با تعاون و اجابت خواسته‌های یکدیگر به حیات معنوی و پاک دست می‌یابند.

پاسخ ۳ خداوند در آیه مذکور، اجابت (اطاعت) از دعوت خدا و رسول را شرط حیات‌بخشی به روح انسان مؤمن معرفی می‌کند. «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ (علت) إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (معلول)»: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید؛ آن‌گاه که شما را به چیزی فرا می‌خواند که به شما زندگی حقیقی می‌بخشد.»

۱۲ ارزش علم بیش از هر چیزی است

- خداوند آن‌جا که سخن از آفرینش انسان است، خود را «کریم» معرفی می‌کند: «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ * الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» «ای انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور کرد و فریب داد؟ همان‌که تو را آفرید و [اندام تو را] استوار ساخت و متعادل کرد.» ولی آن‌جا که سخن از علم و فرهنگ است، صفت «أكرم» را به کار می‌برد و می‌فرماید: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» «بخوان که پروردگار تو از همه گرامی‌تر است.»

| انواع حیات | آیات |
|-------------|---|
| حیات گیاهی | «أَنْ لِّلَّهِ يَخِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ «خداوند زمین مرده را زنده می‌کند.» |
| حیات حیوانی | «لَنُحْيِي الْمَوْتَى»؛ «خداوند مردگان را زنده می‌کند.» |
| حیات فکری | «مَنْ كَانَ مُتِينًا فَآخِزِينَا»؛ «آن‌که مرده بود و زنده‌اش کردیم.» |
| حیات ابدی | «قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي»؛ «[مجرمین در قیامت می‌گویند:] ای کاش برای زندگی امروز چیزی از پیش فرستاده بودم.» |

۱. البته ممکن است مراد از دعوت به حیات در این‌جا (به دلیل آن‌که آیه مذکور در کنار آیات جنگ بدر آمده است) دعوت به جهاد باشد.